

تأثیر بازسازی خانواده در کیفیت رابطه مادر - دختر

زهرا داداش

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خاتم

دکتر باقر ثنائی ذاکر

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

دکتر منصور علی حمیدی

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء(س)



چکیده

این پژوهش با هدف اثر بخشی برنامه بازسازی خانواده در بهبود کیفیت رابطه مادر - دختری، صورت گرفت. شرکت کنندگان این پژوهش ۱۲ نفر از دختران نوجوان با میانگین سنی ۱۶-۲۴ بودند که مادران آنان سرپرست اصلی خانواده بودند و پدران به علت فوت، طلاق یا جدایی در خانه حضور نداشتند. دختران شرکت کننده تحت پوشش مؤسسه فرهنگی - اجتماعی یاس قرار دارند. نمره کیفیت رابطه مادر - دختری بر اساس پرسشنامه رابطه مادر - فرزندی پایین تر از میانگین (۱۹/۵) به دست آمد. ۶ نفر به عنوان گروه آزمایش (داوطلب شرکت در بازسازی خانواده بودند) و ۶ نفر به عنوان گروه گواه (داوطلب شرکت در گروه نبودند) در نظر گرفته شدند. گروه بازسازی خانواده در ۹ جلسه برنامه ریزی شد. برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از پرسشنامه یاد شده در پیش آزمون و پس آزمون، از روش آماری پارامتریک،

آزمون آماری t برای گروه های مستقل جهت تأیید فرضیه پژوهشی بهره گرفته شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها فرضیه پژوهشی را تأیید کرد. بدین معنا که بازسازی خانواده کیفیت رابطه مادر - دختری را بهبود بخشید.

مقدمه

نوجوانی، دوره ای از زندگی است که والدین فرزند پروری را دشوار می دانند (جونز، فرهند و بیچ، ۲۰۰۰). در این دوره تمایلات خود مختاری و استقلال بیشتری از سوی نوجوانان بروز داده می شود. از دیدگاه شناخت گرای نوجوان به واسطه ظرفیت های شناختی جدید، به تدریج این توانایی را می یابد که در مورد زندگی، ارزش ها و آینده فکر کند. نوجوانان در صددند والدین آرمانی خود را بیابند و از این رو انتقاد کردن از آنان را آغاز می کنند. از دیدگاه روان شناسان من^۱ (مانند اریکسون)، نوجوانان از ۱۲ تا ۱۹ سالگی در وضعیت دستیابی به هویت در مقابل سرگشتگی قرار دارند. در این دوره معنای خود، از محدوده والدین به دنیای دوستی گسترش می یابد و این امر به نوبه خود بر تعامل والد - نوجوان تأثیر می گذارد (علیزاده، ۱۳۸۰). بنابراین موضوعاتی چون خود مختاری و استقلال باید در تمام سطوح مجدداً مورد گفتگو قرار گیرند و مسئله اساسی در دوره نوجوانی سازماندهی مجدد رابطه والد - فرزندی است (کار، ۲۰۰۰؛ نوایی نژاد، ۱۳۸۰؛ لطف آبادی، ۱۳۷۸).

شواهدی وجود دارد که بر طبق آن ها استقلال یابی تا اندازه ای ممکن است، فرایند پیچیده ای برای دختران باشد، به دو دلیل: نخست آنکه در حالی که همه نوجوانان آمادگی جدایی از والدینشان را تجربه می کنند، دختران با احتمال بیشتری نسبت به پسرها حساسیت و فشاری را گاهی اوقات برای نزدیک ماندن به خانواده تجربه می کنند. این نوع پیام درهم و برهم (استقلال یابی در مقابل نزدیک ماندن به خانواده) ریشه در اسطوره های قدیمی دارد، که مردان به کار می روند و زنان در خانه می مانند، دوم آنکه گرچه رسش جسمانی به طور کلی به رفتار بزرگسالی فرزندان برای آنکه بزرگ شوند،

1. Ego

شتاب می دهد و لذا به آن ها جهت دستیابی به خود مختاری کمک می کند، بلوغ اولیه برای دختران نسبت به پسران مشکل تر است. پسرها با بلوغ زودرس تمایل دارند که بزرگتر و قوی تر از همسالان خود باشند و ظاهر رسیده و توانایی عضلانی آنان از نظر اجتماعی سودمند است. اما یک دختر نوجوان با قیافه شکیل در معرض خطر پسرهای بزرگ تر و مورد توجه بزرگسالان است و مستلزم نظارت ویژه ای از سوی والدین است تا از دردرس در امان بماند.

نظریه ارتباطی دردوره نوجوانی، دشواری دختران نوجوان را برای استقلال یابی چنین توجیه می کند که دختران برای رسمیت شناختن فردیتشان با مادران (به ویژه) در کشمکش هستند، چرا که هویت زن شبیه به مادر تعریف می شود و لذا هویت دختر نه از طریق جدایی از مادر بلکه در پیوند و ارتباط با او تعریف می شود (کیمل و وینر، ۱۹۹۵). احساس هایی چون احساس عدم تعادل نسبت به مادران^۱، ناامیدی و تسلیم^۲، خشم^۳، ترس^۴، از دست دادن عشق مادر و زندانی کردن عشق^۵ و عدم بیان آن به مادر از جمله احساساتی هستند که موجبات دشواری ارتباط مادر - دختر را فراهم می کنند (کاپلان، ۲۰۰۰).

در یک نظرسنجی از نوجوانان شهر تهران، ۶۲ درصد دختران تقریباً اعتقادی به رفتار والدین خود نداشتند که این درصد در مورد پسران ۵۸ بود. در همین گزارش ۴۵ درصد مادران، نوجوان خود را از ناسازگار می دانستند که این رقم در مورد پدران ۴۲ درصد بود (احمدی، ۱۳۷۷). در گزارشی دیگر (از شهر تهران) آمده است که ۲۴/۹ درصد دختران نوجوان معتقدند «مادرم با من رابطه نزدیک و صمیمی ندارد.» این در مورد پسران ۱۳/۸ بود و نیز ۲۶/۳ درصد دختران گفتند: «مادرم آن طور که باید، مرا نمی شناسد و درکم نمی کند.» اما ۲۰/۵ درصد پسران چنین نظری داشتند (نوابی نژاد، ۱۳۷۴).

در این وضعیت ناهمگون که والدین به ویژه مادران، نوجوانان خود را ناسازگار می دانند و نوجوانان هم به ویژه دختران والدین خود را قبول ندارند، امکان وقوع بسیاری

1. Ambivalence about mothers

2. Despair and betrayal

3. Anger

4. Fear

5. Pent-up love

از حوادث ناگواری برای نوجوانان می رود و دشواری ارتباطی ممکن است سبب گردد تا برای حل مسائل ارتباطی به خانواده درمانگر مراجعه کنند (کار، ۲۰۰).

گزارش کار سالیانه یکی از مراکز مشاوره ای در طی ده سال گذشته (۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲) نشان می دهد که به طور متوسط از ۶۶/۴۴ درصد مشکلات عاطفی - روانی و مسائل خانوادگی تنها ۴/۷۵ درصد مسائل به شیوه های خانواده درمانی مورد حل و فصل قرار گرفته است و لذا معرفی رویکرد خانواده درمانی به شیوه ای برنامه ریزی شده و سازمان شده جهت بهبود کیفیت رابطه والد - نوجوان و از آن میان رابطه مادر - دختری ضرورت می یابد. هدف این پژوهش آزمودن اثر بخشی فن بازسازی خانواده در بهبود کیفیت رابطه مادر - دختری است و در عین حال برنامه ای را به سایر مشاوران و درمانگران پیشنهاد می کند که با به کارگیری آن دشواری های ارتباطی مادران و دختران را التیام می بخشد به تبع آن کیفیت زندگی خانوادگی و سلامت روانی اعضای آن را افزایش می دهد.

بازسازی خانواده یکی از فنون درمانی ویرجینیا ستیر^۲ خانواده درمانگر تجربیاتی است. خانواده درمانی تجربیاتی^۳ بر عواطف و هیجانها تأکید دارد. آگاهی و ابراز احساسات را ابزاری برای رضایت شخصی و خانوادگی می دانند (کار، ۲۰۰۰). این رویکرد باور دارد که خانواده ها از افراد تشکیل شده اند و برای آنکه سیستم خانواده تغییر کند، افراد که جزئی از آن هستند باید رفتارشان تغییر کند (گلا دینک، ۱۳۸۲).

بازسازی خانواده یک ابتکار درمانی ستیر است که در اواخر سالهای دهه ۱۹۶۰ آن را رواج داد. هدف او از بازسازی خانواده کمک به افراد است تا الگوی ناکارآمد زندگیشان را که ریشه در خانواده اصلی دارند کشف کنند (گلا دینک، ۱۳۸۲). در فن بازسازی خانواده، گروه و خانواده ترکیب شده اند (ستیر، ۱۹۸۸) و افراد با کمک اعضای گروه (که نقش اعضای خانواده اصلی را بازی می کنند) رویدادهای شکل دهنده دوران کودکی را بازسازی و تجربه می کنند (کار، ۲۰۰۰؛ نرین، ۱۹۸۶). درک اطلاعات جدید به دست آمده از این تجربه به ایجاد درک و احساس های متفاوت درباره خود منجر می شود (بن من، ۱۹۹۹).

1. Family reconstruction

2. Virginia Satir

3. Experiential

ستیر (۱۹۸۵) درباره اینکه چگونه شد بازسازی خانواده را ابداع کرد چنین می نویسد:
«در کار با ۱۴۰۰ خانواده برایم روشن شد که چگونه آنان برای ساختن زمان حال خود، گذشته شان را به کار می گیرند و به نوبت آینده ای همچون گذشته می آفرینند، مانند آنکه در مرداب ناامیدی گیر کرده ای. استدلال من این بود که یادگیریهای مربوط به گذشته است که زمان حال را شکل می دهد. برای تغییر در ادراک و تجربه کنونی به طوری که اساسی برای آینده سالم تر شود، نیاز به آشنایی با روش هایی بود که یادگیری های جدید رخ دهد. می دانستم یادگیری های جدید ممکن است. یک شخص نمی تواند در جایی دیگر بزرگ شود یا زمان دیگری متولد شود، اما می تواند چیزهای جدید یاد بگیرد. گام بعد، خلق ابزاری برای دوباره ساختن زمینه ای بود که یادگیری های قدیمی از آن ناشی شده بود تا راه را برای یادگیری های جدید هموار سازد - برگشتن به واقعیت های قدیمی با نگاه های جدید».

در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه بازسازی خانواده می تواند موجب بهبود کیفیت رابطه مادر - دختری شود، می توان گفت که پژوهش های زیادی در مورد اثر بخشی رویکردهای متفاوت در بهبود کیفیت رابطه والد - فرزندی صورت گرفته است. پارسونز و الکساندر (۱۹۷۳) با کاربرد خانواده درمانی و بهره مندی از راهبردهای تغییر رفتار، الگوهای ارتباط در خانواده های تحت درمان را توانستند بهبود دهند. فرید من و کرایشر (۱۹۹۵) در کار با نوجوانان مصرف کننده مواد مخدر و مادرانشان از شیوه خانواده درمانی استفاده کردند. نتایج نشان داد که رابطه نوجوانان با والدین به ویژه با مادرانشان بهبود یافت. بینگ (۱۹۷۳) نیز با به کارگیری خانواده درمانی جمعی، موجب شد تا رفتار پدر نسبت به دختر نوجوان گرم تر و با محبت تر شود و به دنبال این درمان مادر با دختر با احترام بیشتری رفتار کند.

پان (۲۰۰۰) و سلیگمن (۱۹۸۱) نیز در پژوهش خود رویکرد خانواده درمانی ستیر را به کار گرفتند و اثر بخشی آن علاوه بر رشد شخصی و عزت نفس، بهبود در عملکرد خانواده نشان داده شد. دو پژوهش اخیر و پژوهش های پیش از این، بیانگر سودمندی رویکردهای مشاوره ای و درمانی خانواده هستند، گرچه پژوهشی که مستقیماً اثر بخشی

بازسازی خانواده را نشان دهد، یافت نشد ولی می توان با استناد به پژوهش های یاد شده فرضیه پژوهشی را چنین تدوین کرد :

«کیفیت رابطه مادر - دختری پس از به کارگیری بازسازی خانواده بهبود می یابد.»

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی شبه آزمایشی است. متغیر مستقل بازسازی خانواده و متغیر وابسته کیفیت رابطه مادر - دختری است.

افراد شرکت کننده در این پژوهش، ۱۲ نفر از دختران نوجوان ۱۵ الی ۱۸ ساله ای بودند که با مادران خود مشکل ارتباطی داشتند (بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه ارتباط مادر - فرزند). این دختران تحت پوشش مؤسسه فرهنگی - اجتماعی به نام یاس قرار دارند و سرپرست اصلی خانواده آنان مادرانشان هستند و پدر خانواده به دلایلی چون جدایی، طلاق یا فوت در خانه حضور ندارد و یا ارتباط آنان با خانواده بسیار اندک است.

چگونگی گزینش آزمودنی ها (شرکت کنندگان): ۶۶ دختر نوجوان به پرسشنامه ارتباط مادر - فرزند پاسخ دادند. از این تعداد ۲۱ نفر به عنوان دخترانی که کیفیت رابطه شان با مادرانشان مختل است (پائین تر از میانگین ۱۹/۵) شناسایی شدند. امکان تماس تلفنی با ۱۵ نفر آنان بود. ابتدا با تک تک مادرها (تلفنی) صحبت شد و هدف از تشکیل جلسه های مشاوره گروهی و دعوت دختران آن ها به این جلسه ها توضیح داده شد و بیان گردید که هدف بهبود رابطه با اعضای خانواده است. پس از صحبت با مادران و کسب رضایت آنان با دختران نیز (تلفنی) صحبت شد. ۷ نفر از ۱۵ نفر داوطلب شرکت در جلسه های مشاوره گروهی شدند (که پس از نخستین جلسه و روشن تر شدن اهداف و شیوه برگزاری گروه، یک فرد از آمدن منصرف شد). ۸ نفر دیگر که داوطلب شرکت نبودند، ۶ نفر از آنان به طور تصادفی به عنوان گروه گواه برگزیده شدند.

ابزار سنجش: جهت سنجش کیفیت رابطه مادر - دختری، پرسشنامه رابطه ولی

- فرزندی، بخش رابطه مادر - فرزند به کار گرفته شد. این پرسشنامه ابزاری ۲۴ پرشی است و دارای پاسخ ۷ دامنه ای (از ۱ تا ۷) است و برای سنجش نظر جوانان درباره رابطه آنان با والدینشان است. ابزار مذکور عوامل عاطفه مثبت^۱، آزرده‌گی یا سردرگمی نقش^۲، همانند سازی^۳ و ارتباط یا گفت و شنود را می‌سنجد (ثنائی، ۱۳۷۹).

پایایی: پرسشنامه رابطه مادر - فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای عوامل و با آلفای کلی ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است (ثنائی، ۱۳۷۹). کردلو (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ را به دست آورد و پرهیزگار (در خدابخش، ۱۳۸۳) ۰/۹۲ محاسبه کرد. پژوهشگر نیز پس از اجرای پرسشنامه در یک کلاس با ۳۰ نفر دانش آموز دختر پایه اول دبیرستان، ضریب آلفای ۰/۹۳ را به دست آورد. جهت محاسبه ضریب پایایی از راه بازآزمایی، پرسشنامه مذکور، پس از یک هفته مجدداً توسط همان دانش آموزان، پاسخ داده شد. همبستگی نمرات به دست آمده از نوبت اول و دوم، ۰/۸۰ به دست آمد.

روایی: پرسشنامه رابطه مادر - فرزند از روایی پیش بین خوبی بهره مند است و فرزندان طلاق و یکپارچه را از هم متمایز می‌سازد (ثنائی، ۱۳۷۹). در پژوهش حاضر این ابزار توسط استاد راهنما و یک کارشناس ارشد مشاوره و یک دانشجوی دوره دکترای روان‌شناسی، از نظر صوری روا شناخته شد.

چگونگی برگزاری نشست های گروهی: برنامه بازسازی خانواده طی ۹ جلسه برگزار شد. دو جلسه نخست ۲ ساعت، ۶ جلسه میانی ۳ ساعت و آخرین جلسه ۱/۵ ساعت به طول انجامید. جلسات یکبار در هفته، روزهای جمعه، ساعت ۹/۵ صبح در مکان مؤسسه فرهنگی - اجتماعی یاس برگزار می‌شد. در هشتمین جلسه (بازسازی خانواده آخرین عضو گروه) اعضای گروه آزمایش به پرسشنامه رابطه مادر - فرزند مجدداً پاسخ دادند. هر یک از اعضای گروه آزمایش و گواه در مناطق مختلف شهر سکونت داشتند و محل تحصیل هیچیک از اعضای گروه آزمایش و گواه مشترک نبوده و لذا می‌توان با اطمینان گفت که کارهای انجام شده در جلسات، توسط گروه آزمایش با

گروه گواه در میان گذاشته نشده است. ترتیب و محتوای جلسات پس از تنظیم به تأیید استاد راهنما رسید.

شرح جلسات به ترتیب ذیل است :

جلسه نخست : آشنایی اعضا با یکدیگر و پژوهشگر، آشنایی با اهداف برگزاری گروه و نیز شیوه و سبک قوانین گروه و بیان انتظارات اعضا و پاسخ به پرسش های آنان (کوری و همکاران، ۱۳۷۷).

جلسه دوم: ایجاد اعتماد و جوّ گرم و صمیمی مورد هدف بود و برخی تمرینها بدین منظور انجام شد (نرین، ۱۹۸۶).

جلسات سوم تا هشتم : این جلسات همگی دارای یک ترتیب برای اجرا بودند اگر چه محتوای جلسات از یک فرد دیگر متفاوت بود. در هر یک از جلسات (۶ جلسه) خانواده یک عضو گروه مورد بازسازی قرار می گرفت. این عضو به عنوان شخصیت اصلی « ستاره » یا « کاشف » نامیده می شود (بن من، ۱۹۹۹؛ نرین، ۱۹۸۶). در هر بازسازی گام های ذیل دنبال شد (نرین، ۱۹۸۶) :

گام نخست : مصاحبه با فرد (که در این بازسازی به چه چیزی می خواهد دست یابد، دو مسئله ای که همواره با آن روبرو است، چه بوده است و چه ترس ها یا تردیدهایی دارد)، توضیح بازی کردن نقش و مجسمه سازی^۱ گام های بعدی بازسازی هستند. انتخاب بازیگران نقش من بدل^۲ (فردی که نقش خود ستاره را در سر تا سر باز سازی بازی می کند)، مادر و پدر خود، توسط ستاره. قرار دادن من بدل به صورتی که خود را در حال حاضر می بیند و نیز قرار دادن او به صورتی که اگر تغییری در او ایجاد شود، به آن گونه در خواهد آمد و باقی ماندن در آن وضعیت به مدت ۱ الی ۲ دقیقه و سپس بیان احساس و افکاری که تجربه می کند. گام بعدی انتخاب بازیگران نقش پدر و مادر و مجسمه ساختن آن ها به گونه ای که آن ها را به هنگام بزرگ شدن درک کرده و قرار گرفتن آن ها به مدت ۱ الی ۲ دقیقه و سپس بیان افکار و احساسات توسط بازیگران نقش و ستاره.

۱. شیوه ای است که در آن بازیگران نقش در وضعیت های جسمانی چون قالب های سنگی قرار گرفته می شوند.

2. Altered ego

گام هفتم انتخاب بازیگران نقش خانواده پدری و مادری و مجسمه ساختن آنان توسط ستاره و بازی کردن نقش، هشتمین گام، پدر و مادر ستاره (توسط بازیگران نقش)، خود را معرفی می کردند و آخرین بخش هر بازسازی نحوه آشنایی و ازدواج پدر و مادر ستاره قرار داشت.

آخرین جلسه: جمع بندی کل دوره و بیان دستاوردهای به دست آمده توسط اعضای گروه و پژوهشگر و ذکر نکات مثبت و منفی آن (کوری و همکاران، ۱۳۷۷).

یافته های پژوهش

داده های به دست آمده از اجرای پرسشنامه رابطه مادر - فرزند در دو گروه آزمایش در پیش آزمون و پس آزمون از طریق آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابتدا گروه آزمایش و گواه از حیث سن آزمونی، سن پدر و مادر، از طریق آزمون t گروه های مستقل مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین آزمودنی های دو گروه مذکور از این حیث تفاوت معناداری وجود ندارد با شاخص سن آزمودنی ($t=0/728$)، شاخص سن پدر ($t=0/601$) و شاخص سن مادر ($t=1/324$) و درجه آزادی ۱۰ و سطح معناداری ($p < 0/05$). گروه آزمایش و گواه همچنین از حیث کیفیت رابطه مادر - دختری در پیش آزمون مورد مقایسه قرار گرفتند که تجزیه و تحلیل داده ها به شیوه t مستقل برای مقایسه میانگین ها نشان داد، با توجه به t محاسبه شده ($0/896$) و درجه آزادی ($d.f = 10$) و سطح معناداری ($p < 0/05$) دو گروه آزمایش و گواه از نظر کیفیت رابطه مادر - دختری در پیش آزمون با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

جهت بررسی فرضیه پژوهشی که کیفیت رابطه مادر - دختری پس از به کارگیری برنامه بازسازی خانواده بهبود می یابد از آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین های دو گروه بهره گرفته شد.

جدول شماره ۱. مقایسه میانگین دو گروه در پیش آزمون
به روش t مستقل

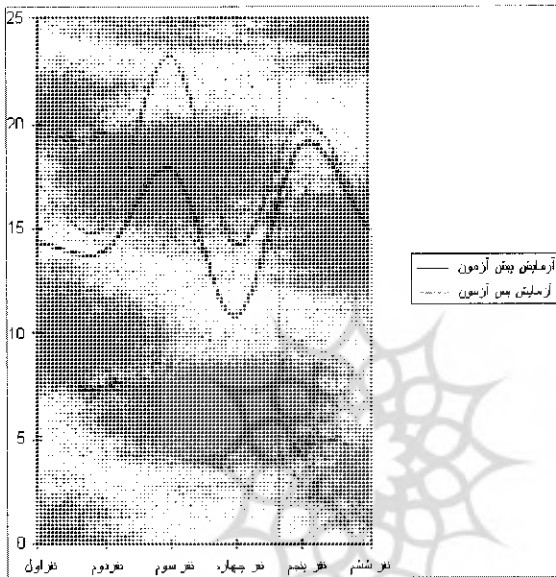
گروه	تعداد	میانگین	انحراف	t	df	$(p < 0/05)$
آزمایش	۶	-۰/۱۶۵	۱/۱۸۶			
گواه	۶	-۲/۳۸	۰/۸۴۰۶	۲/۶۶	۱۰	۰/۰۲۴

با توجه به جدول شماره ۱ و با توجه به t محاسبه شده و درجه آزادی ($df = 10$) و سطح معناداری ($p < 0/05$) میان دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که برنامه بازسازی خانواده موجب بهبود کیفیت رابطه مادر - دختری شده است.

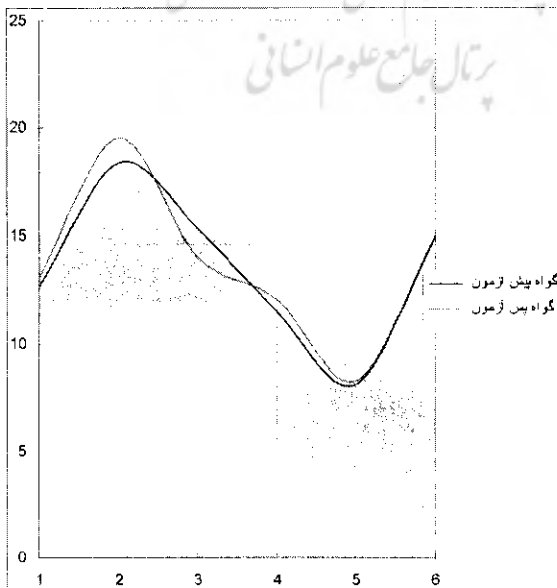
جدول شماره ۲. جدول نمره کیفیت رابطه مادر - دختری
در پیش آزمون و پس آزمون

گروه	آزمون	نفر اول	نفر دوم	نفر سوم	نفر چهارم	نفر پنجم	نفر ششم
آزمایش	پیش آزمون	۱۴/۳۸	۱۳/۸۶	۱۷/۸۱	۱۰/۸۲	۱۹	۱۴/۸۳
آزمایش	پس آزمون	۱۷/۱۱	۱۵	۲۳/۲۶	۱۴/۲۱	۲۰/۱۲	۱۵/۳۰
گواه	پیش آزمون	۱۲/۶۶	۱۸/۳۶	۱۵/۳۶	۱۱/۴۶	۸/۰۳	۱۴/۹۸
گواه	پس آزمون	۱۳/۱۲	۱۹/۵	۱۴	۱۲/۰۱	۸/۲۱	۱۵

نمودار ۱. نمره کیفیت رابطه مادر - دختری در گروه آزمایش در پیش آزمون و پس آزمون



نمودار ۲. نمره کیفیت رابطه مادر - دختری در گروه گواه در پیش آزمون و پس آزمون



با توجه به جدول شماره ۲ و نمودار شماره یک و دو، تفاوت کیفیت رابطه مادر - دختری در پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش محسوس است که بیانگر اثر بخشی برنامه باز سازی خانواده در بهبود کیفیت رابطه مادر - دختری است اما در گروه گواه این تفاوت در پیش آزمون و پس آزمون چندان قابل رؤیت نیست.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های پارسونز و الکساندر (۱۹۷۳)، تراس و کرایشر (۱۹۹۵)، بینگ (۱۹۷۳) که با به کارگیری شیوه های مختلف خانواده درمانی رابطه والد- فرزندی را بهبود بخشیدند همسو است. نیز با یافته های پژوهش های پان (۲۰۰۰) و سلیگمن (۱۹۸۱) که رویکرد خانواده درمانی ستیر را به کار بردند و اثربخشی آن در بهبود روابط اعضای خانواده نشان داده شد، هماهنگ است (پژوهشی که به طور مستقیم اثر بخشی بازسازی خانواده را مورد آزمون قرار دهد، یافت نشد). برخی یافته های کیفی به دست آمده از جلسات بازسازی خانواده که با نظرات ستیر درباره این فن هماهنگی دارد در ذیل اشاره می شود:

درگسترده خانواده مادری و پدری، افراد از طریق بازخوردی که اعضای گروه به یکدیگر می دادند، متوجه ریشه رفتارهای والدینشان و نیز خود می شدند (مانند عبارت یکی از بازیگران در خطاب به «ستاره» گفت که پدرت مانند مادرش رفتار می کند یا اینکه تو نیز مانند پدرت رفتار می کنی) که با هدف ستیر در بازسازی خانواده یعنی کشف ریشه الگوهای رفتاری در گذشته، همخوانی دارد. عباراتی چون: «اشتباه های والدین خود را تکرار نکنم» یا «گذشته بر شخصیت کنونی ام اثر نداشته»، «این گروه فرصتی برای اندیشیدن درباره زندگی آینده ام بود.» با نظر ستیر هماهنگی دارد که افراد گذشته را برای آلوده ساختن حال به کار می گیرند و به نوبه خود آینده ای مثل گذشته می سازند و لذا ستیر بازسازی خانواده را به عنوان فنی می داند که این حلقه ها را از هم می گسلد. به نظر می آید نشست های مشاوره ای در پژوهش حاضر با توجه به عبارت های یاد شده، چنین بینشی را ایجاد کرده است.

از آنجائی که بازسازی خانواده به تعداد بیشتری از اعضا نیاز دارد، پیشنهاد می شود که تعداد بیش از ۷ نفر در نظر گرفته شود. همانطور که نمودار چند ضلعی شماره یک نشان می دهد، همه افراد در گروه آزمایش به یک اندازه بهره مند نشده اند. این نمودار همچنین تفاوت های فردی در درون هر گروه را نشان می دهد که ممکن است عده ای شیوه کار بازسازی خانواده را به رغم داوطلب بودن نپسندند. لذا در جلسه مقدماتی سبک کار به طور کامل و با صراحت و روشنی بایستی توضیح داده شود. مشاورانی که قصد به کارگیری این رویکرد را دارند حتماً تجربه های مشاوره گروهی چه به عنوان عضوی از گروه چه به عنوان رهبر گروه داشته باشند تا با پویائی های گروه کاملاً آشنا باشند. از آنجائی که بازسازی خانواده بر گذشته خانوادگی و بیان احساسات و افکار فرد تمرکز دارد، حضور درمانگری مجرب برای مشاور تازه کار جهت چگونگی نشان دادن واکنش به احساسات و افکار غیر مترقبه ضرورت دارد و چه بهتر آن است که در صورت امکان و دسترسی به اتاق آئینه یکطرفه که در طرف دیگر، مشاور مجرب قرار دارد، این گروه برگزار گردد.

از آنجائیکه نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر بر اساس داده های به دست آمده از پرسشنامه رابطه مادر - فرزند که توسط دختران پاسخ داده شده است، می باشد، لازم است برای آنکه با اطمینان بیشتری به یافته استناد کرد پرسشنامه ای جداگانه توسط مادران قبل و بعد از برنامه پاسخ داده شود، تا آنکه هر دو نظر مادر و دختر را داشته باشیم.

منابع

- احمدی، س. (۱۳۷۷). روانشناسی نوجوان. تهران: نشر نخستین.
- ثنائی، ب. و همکاران (۱۳۷۹). مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- خدابخش، آ. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه رابطه ولی - فرزندی در کودکان دختر و پسر عادی و خیابانی. چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی. پژوهشکده خانواده.

- علیزاده، ح. (۱۳۸۰). تعامل والدین - فرزندان. مجله پژوهش های روان شناختی. دوره ۶، شماره ۳ و ۴.
- کردلو، م. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش و گرایش نوجوانان به ارتباط با جنس مخالف. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد رودهن.
- کوری، ج، کوری، کالان. پ و راسل. م. (۱۳۷۷). فنون مشاوره و روان درمانی گروهی. ترجمه ب. ثنائی. تهران: انتشارات بعثت.
- گلادینک، س. (۱۳۸۲). خانواده درمانی. ترجمه ف، بهادری و همکارانش. تهران: انتشارات تزکیه.
- لطف آبادی، غ. (۱۳۷۸). روان شناسی رشد (۲) نوجوانی و بزرگسالی. تهران: انتشارات بعثت.
- نوابی نژاد. ش (۱۳۷۴). نوجوان: ویژگیها، مشکلات و انتظار از بزرگسالان. فصلنامه علمی - پژوهشی مؤسسه تحقیقات تربیتی.
- نوابی نژاد. ش (۱۳۸۰). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران: انتشارات اولیاء و مریان.
- گزارش مرکز خدمات مشاوره ای دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۱. واحد پژوهش.

Banmen , J (1999) Virginia Satir,s Family therapy model. *Family Journal : counseling and families*. Vol 6 (1) : 53-60.

Byng , H.J. (1973) Family myths used as a Defense in conjiont family therapy. *Brish Journal of medical psychology*. 3:239-250.

Caplan, P.J. (2000). *Don't Blame Mother mending the mother-daughter relationship*. Newyork. Routledge.

Carr, A (2000). *Family theray*. London: Hohn willey & sons ltd.

Fridman , A.S, Terras , A g kreisher ,c. (1995). Family and clientcharacteristics as predictors of outpatient treatment outcome for

- Adolescent Abusers. *Journal of substance Abuse* , Vol 7 : 345-359.
- Kimmel , D g weiner , I. B. (1995). *Adolescence*: John willey & sons Inc.
- Nerin , W , F (1986). *Family Reconstruction*. New york: WW.Norton & company Inc.
- Pan, P.JD. (2000). The Effectiveness of structured and semistructured Satir model Groups on Family Relation ship with college student in Tawan. *Journal for specialists in Group work*. Vol 23 (3) : 305-318.
- Parsons , B.V g Alexander , J.F. (1973) . Short – term family intervention: A Therapy outcom 3tudy: *Journal of counsulting And clinical psychology* . 41 , 195-207.
- Satir , V & other . (1988) . Family Reconstruction. *Journal for specialists in Group work* , vol 3 (4) : 200-208.
- Satir , V. (1985) Family Reconstruction . *Journal for specialists in Group work* , vol 3 (4) : 200-208.
- Satir , V . (1985) *Foreword in family Reconstruction from W , Nerin*. New york. WW. Norton & company Inc.
- Jones , D.J , forehand , R Beach , S R H. (2000). *Maternal and Paternal During Adolescence*.
- <http://www.fidarticles.com/cfo/m2248/138-35/68535847/pl/article.html>.